

تروریست‌های دیروز، دوستان امروز آمریکا

برگی دیگر از تناقض‌های واشنگتن در سوریه

مترجم
سجاد عزتاده

ناتاشا هال و نینار فاول، پژوهشگران مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی ایالات متحده آمریکا (CSIS) در مقاله «آیا سوریه می‌تواند احیا شود؟ چرا رفع تحریم‌ها کافی نیست» که در وب سایت فارن افرز منتشر شده به بررسی وضعیت سوریه و رفع تحریم‌های اعمال شده علیه این کشور از سوی واشنگتن پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که اگرچه وخامت اوضاع حکمرانی در دمشق، دولت ترامپ را واداشت تا با رفع تحریم‌ها از سقوط حکومت جولانی جلوگیری نماید، اما رفع تحریم‌ها کافی نیست و واشنگتن باید دست به اتخاذ تدابیر دیگری مانند حذف نام هیئت تحریرالاشام از فهرست سازمان‌های تروریستی خارج یزند. مطلب ذیل ترجمه است و طبیعی است که همه منطق و الفاظ استفاده‌شده در این متن مورد تأیید «فرهیختگان» نیست اما جهت اطلاع از ابعاد مختلف موضوع، در یک روزنامه دانشگاهی عیناً منتشر می‌شود.
دوبلند ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در سفر خودبه خاورمیانه در اواسط ماه مه، دست به اقدام خارق‌العاده‌ای زد. او طی اقامت چهار روزه خود در عربستان سعودی، تغییری اساسی در سیاست ایالات متحده در قبال سوریه ایجاد نمود. ترامپ در ابتدا در میان تشویق پرشور مخاطبان خود در ریاض اعلام کرد که ایالات متحده تمام تحریم‌های دمشق را به حالت تعلیق در خواهد آورد، زیرا دولت سوریه پس از فروپاشی رژیم بشار اسد در ماه دسامبر، دوران گذار دشواری را پشت سر می‌گذارد. روز بعد هم با احمد الشرع، رئیس‌جمهور موقت سوریه و جنگجوی سابق القاعده که چند ماه پیش دولت ایالات متحده ۱۰ میلیون دلار جایزه برای سر او تعیین کرده بود، دیدار کرد. پس از این دیدار، ترامپ از الشرع به عنوان فردی جوان، جذاب و با «گذشته‌ای قوی» یاد کرد.
ترامپ با برداشتن این گام‌های ناگهانی، از اقتان در ورطه اتفاقی که در هر دولت دیگری در ایالات متحده احتمالاً یک فرآیند سیاسی گذار طولانی و خسته‌کننده بود، اجتناب نمود. ماهه‌ایود که بسیاری از سوری‌ها کارکنانشان سوریه‌بیم داشتند که ایالات متحده ممکن است هرگز تحریم‌های این کشور را لغو نکند. واشنگتن اولین بار در سال ۱۹۷۹، زمانی که دولت وقت سوریه را حامی تروریسم اعلام کرد، تحریم‌هایی را علیه این کشور اعمال نمود که منجر به ممنوعیت فروش سلاح و همچنین اعمال سایر محدودیت‌های صادراتی به این کشور شد.
کنگره هم در سال‌های اولیه قر بیست و یکم تحریم‌های بیشتری را علیه دمشق اعمال کرد. پس از آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، ایالات متحده و اروپا هم دست به اعمال محدودیت‌های بیشتری زدند. گروه‌های مسلح در سوریه - که برخی از آن‌ها اکنون در دولت دمشق نمایندگان برای خود دارند - نیز به عنوان تروریست معرفی شدند و بنابراین همچنان مشمول تحریم‌های بشمار می‌روند. این اقدامات در کنار هم، سوریه را تا حد زیادی از تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی محروم کرده و مانع بزرگی برای بهبود اقتصادی در این کشور جنگ‌زده بوده است.
نیاز سوریه فوری است. بیش از ۹۰ درصد از سوری‌ها زیر خط فقر زندگی می‌کنند و ۷۰ درصد برای تأمین نیازهای اولیه به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند. با نرخ رشد فعلی، حداقل تا سال ۲۰۸۰ طول خواهد کشید تا اقتصاد سوریه به میزان تولید ناخالص داخلی قبل از شروع جنگ داخلی در سال ۲۰۱۱ برسد. شرایط وخیم اقتصادی بر اثر خشونت‌های تنش‌های فراق‌های که از زمان سقوط دولت اسد و تصرف پایتخت توسط هیئت تحریرالاشام وابسته به الشرع که یک گروه شورشی وابسته به اهل سنت به شمار می‌رود شعله‌ور شده‌اند، رو به وخامت گذاشته است. الشرع اعلام داده است که از اقلیت‌های سوریه محافظت کند، اما برخی از علویان، دروزی‌ها و سایر جوامع هنوز چنین اعتقادی ندارند.
دخالت‌های خارجی، ازجمله توسط اسرائیل، که بیش از ۷۰۰ حمله به سوریه به انجام داده و مناطق را در داخل این کشور تصرف کرده، بی‌ثباتی سوریه را تشدید نموده است. همه این فشارها اکنون در حال افزایش است. چند روز پس از اعلام ترامپ، مارکو رویپو، وزیر امور خارجه ایالات متحده به کمیته روابط خارجی سنا گفت که تصمیم برای لغو تحریم‌ها پس از آن گرفته شد که مقامات آمریکایی به این نتیجه رسیدند که دولت انتقالی سوریه قادر به اداره و به‌امه‌ای زبانی، بافر و پاسی احتمالی و یک جنگ داخلی مستحیر در ابعاد بسیار بزرگ فاصله‌دار شده باشد.

چرخش غیر منتظره ترامپ در مورد تحریم‌ها اقدام درستی بوده و می‌تواند به سوریه کمک کند تا با چالش‌های فعلی خود مقابله نماید. لغو تحریم‌ها هرگز برای دور کردن

خمینی حقیقتی پویا

ادامه از صفحه ۱

هیئات او حتماً حامل روح عظیم الهه بوده‌هست و باز خمینی چنان در لایه لای روح مقدس شیخ نجیره در کازکی عزیز نفوذ کرده که از در پیچه چشمان او برق همیگنجی چشمان خود را برده‌اده و یک‌یک جوانان سرپه‌سده او برقار را به هست‌ها و بارکی‌ها و خازن‌های تابذیل می‌کند، اگر شک‌داری اتحاد روز و کزکای با خمینی را، خاطر انباش را بخوان؛ آنجا که از خمینی فرمان می‌گیرد برای تبلیغ در قلب استعمار و باز خمینی چنان در وجود او پنهانی حلول کرده‌است که در مواجهه با آقا مرفضی دقیقاً نمی‌توانی تشخیص دهی در مقابل او پونهی عارف‌ایستاده‌ای یا در مقابل خمینی هنر مند. آری او از طریق او پونهی خود را در هنر بسط داده و در جسم او پونهی خمینی هنر مند را به بشریت هدیه داده‌است و از همه واضع‌تر و روشن‌تر و شفاف‌تر خمینی چنان در خانه‌ای تجلی کرده‌است که ذهنش، فکرش، جوارح و جوانش همه‌همه یکسر شده‌اند؛ آری خمینی همچنان تدبیر امیر جهان می‌کند با این تقاطع که چنده‌دهه جوان شده و به‌جای کرسی جماران بر حسینیه امام خمینی جلوس کرده‌است. و این همه با تمام عظمت غریبالی توصیف و بیانش، صرفاً ظاهر ماجراست. پیچیده‌تر آن جاست که خمینی در اصراری بین نجف و کربلا در حال اقامه دین و تعظیم شاعر حسینی می‌بینی، گمان نکن آن مرد مرکب‌دار که مضطرب را به انداخته یا این پیرزن فوت که از فرط خستگی بر صندلی نشسته یا آن جوان که صفرهای می‌کند با آن دختر بچه‌ای که به روزه عطر تعارف می‌کند، مستقل از روح غنا عظمت خمینی راده کرده‌اند و اگر این چنین باشد کجا بویوند این جماعت تا اندکی پیش؟ پیچیده‌تر آنجاست که خمینی را در جنوب عربستان در بین فقیرترین مردم ندیدی؟ یعنی مردمی پابرونه که بلندفرو پایدی زنده‌در عربستان هیچ غلطی نمی‌تواند بکند و دیدند که نتوانست بکند و چنان ایمان خمینی را در دل پرورش دادند که امروز به نام مودحمیات آمریکا کماحمله می‌کنند و فریاد می‌زنند آری کما هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. آیا خطب شریف خمینی را در نقش پرچم مردم بین و عبارت‌های الموت لا مریک الموت لا اسرائیل نمى توانی بخوانی؟ پیچیده‌تر آنجاست که خمینی را در لبنان می‌بینی اگر و هی چند نفره به نام حزب الله! چقدر این نام آندانشناس! طرفداران دو آتشه خمینی در خیابان‌های تهران را به طعنه حزب اللهی می‌گویند! اینا چقدر در خمینی حل شده‌اند که با یکی از طعنه‌ها ندانند همه‌جا فریاد می‌زنند ما حزب الله هستیم! نیازى نیست به عکس خمینی در روزه حزب الله نگه‌کنی. اندکی مردم‌نماشای صورت نصرالله شورا به یقین خمینی را خوانه‌ای دید. پیچیده‌تر آنجاست که خمینی را در فلسطین مشاهده کنی و این آنجاست که باید بگویی بالعجب! چرا که اینان حتی در مذهب با خمینی مشترک نیستند؛ اما در آرزمان چرا! خمینی را در قلب مسلمانان غیر شیعه دیدن، غلبت جلید این شخصیت پیچیده است. به یقین محمد صغیف الله همان سر ساز در گهواره خمینی است که در مواجهه با مأمور ساواک آن‌ها را به رخ کشید و به ایشان مباحثات کروا دشت کرد؛ این بدان که محمد در زمان شهادت ۶۸ ساله بودا هم دل‌سخت هست و باکری و خرازی او این روزه‌ها خمینی را در چه‌راهی می‌بینم که بسنی غریبالیل یاور است. حقیقتش را بگویم بشارزش را از خامنه‌ای شنیده بودم؛ اما با لبخندی از سر انکار از کنارش عبور کردم. آنجا که به جوانان آمریکایی نامه نوشت و آن‌ها را به قرآن خمینی فراخواند. آری جلید اُرد اتفاقی بهت‌آور خمینی را در قلب او باو آمریکایی می‌بینم! جوانان گوشواره به گوش و اندکی بوی دست با جبارست می‌گویند باید با فلسطین حمایت کرد! فراید سال ۴۲ خمینی امروز از نیویورک شنیده می‌شود! باورناتان می‌شود؟

و این همه با تمام عظمت غریبالی توصیف و بیانش، صرفاً ظاهر ماجراست. پیچیده‌تر آن

این کشور از لبه پرتگاه کافیی به شمار نمی‌رود. شروع لغو تحریم‌های ایالات متحده گام اول مهمی است – گامی که با تصمیم اتحادیه اروپا برای لغو اکثر تحریم‌های خود علیه سوریه تقویت شده است – تا شرایط مطلوبی را برای سر مایه‌گذاری خارجی که سوریه به شدت به آن نیاز دارد، ایجاد کند. ایالات متحده و سایر شرکای سوریه اکنون باید موانع باقی مانده برای ثبات و بهبود اقتصادی را برطرف کنند و این کار را به سرعت هم انجام دهند، نه اینکه اجازه دهند فشارهای داخلی و رقابت‌های منطقه‌ای باعث فروپاشی این کشور شود.

فرصت اقتصادی

دولت ترامپ پیش از این گام‌هایی را برای تحقق وعده رئیس‌جمهور مبنی بر لغو تحریم‌ها برداشته است. هفته گذشته، دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری مجوزی صادر کرد که با بلافاصله اکثر تحریم‌های ایالات متحده، از جمله تحریم‌ها علیه خود شرع را لغو می‌کند. اگرچه این مجوز، درج در فهرست گروه‌های تروریستی خارجی را حذف نمی‌کند و می‌تواند در هر زمانی لغو شود. در همان روز، وزارت امور خارجه معافیت ۱۸۰ روزه سوریه از تحریم‌های اعمال‌شده تحت قانون قیصر ۲۰۱۹ را صادر کرد که به دولت‌ها، مشاغل و افراد خارجی اجازه می‌دهد در سوریه تجارت کنند. با این حال، معافیت‌ها تنها یک راه‌حل جزئی هستند. در صورت عدم لغو دائمی تحریم‌ها، که حداقل در مورد تحریم‌های قانون قیصر نیاز به تأیید کنگره دارد، عدم اطمینان در مورد بازگشت تحریم‌ها در شش ماه آینده می‌تواند مانع بهبود اقتصادی سوریه شود. البته برخی از سر مایه‌گذارانی که به دولت ترامپ نزدیک هستند یا به کار در اقتصادهای تحریم‌شده عادت دارند، ممکن است منصرف نشوند اما بسیاری از شرکت‌ها و بنگاه‌های بین‌المللی که به دنبال سر مایه‌گذاری‌های بلندمدت هستند، ممکن است هنوز در سر مایه‌گذاری تردید داشته باشند. آن‌ها شاید جانب احتیاط را رعایت کرده و از هرگونه تجارت در سوریه به طور کلی اجتناب کنند، همان کاری که بسیاری در طول جنگ داخلی این کشور انجام داده‌اند.

دولت ترامپ می‌تواند کارهای بیشتری انجام دهد. وزارت امور خارجه می‌تواند برای حذف نام هیئت تحریرالاشام از فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی تلاش کند، امری که مستلزم آن است که اثبات شود شرایط اولیه برای این نامگذاری دیگر صادق نیست با دلایل مربوط به امنیت ملی برای حذف آن وجود دارد. این وزارتخانه باید به طور مشابه، بر اساس تغییر اساسی در رهبری و سیاست‌های سوریه و همچنین تضمین‌هایی از سوی رهبری فعلی دمشق مبنی بر اینکه سوریه اکنون در آینه‌داز تروریسم حمایت نخواهد کرد، اقدام نام‌دهشی از فهرست تحریم‌های خود برای سر مایه‌گذاران دنبال کند. بدون این حذف‌ها، احتمالاً کاهش کنترل‌های صادراتی دشوار خواهد بود.

در حال حاضر، لغو تحریم‌ها، کشور‌های خلیج فارس و سایر بازیگران را قادر می‌سازد تا در سوریه سر مایه‌گذاری کنند. سه روز پس از اعلام تحریم‌های ترامپ، یک شرکت اماراتی تقاهم نامه‌ای به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار با دولت موقت دمشق برای توسعه بندر طرطوس سوریه و ایجاد مناطق صنعتی و تجارت آزاد امضا کرد. قطر و عربستان سعودی پیش از این بعضی از بدهی‌های سوریه را پرداخت کرده‌ه‌ین کشور اجازه داده‌اند تا از مؤسسات مالی بین‌المللی مانند بانک جهانی وام دریافت کند. سوریه همچنین می‌تواند دوباره در نظر مالی جهانی اقدام شود. برای مثال، ویرا مجدده به سیستم سوئیت که برای ارسال پول بین بانک‌ها، انتقال وجه بین‌المللی و سایر پرداخت‌ها حیاتی است و حواله‌ها و سایر ترانکش‌های بین‌المللی را تسهیل می‌کند.

در زمان دولت اسد، اقتصاد سوریه به سختی سر پا ماند و توسط متحان، قاچاق مواد مخدر و کمک‌های بشردوستانه دوام آورد. لغو تحریم‌ها امکان آغاز بازسازی را به طور جدی فراهم می‌کند. بخش‌های نفت و گاز، مواد اولیه و تولید سوریه می‌توانند احیا شوند و برای دولت درآمد ایجاد کرده و معیشت بسیاری از شهروندان این کشور را فراهم کنند. بخش انرژی به ویژه به سر مایه‌گذاری نیاز دارد؛ سوریه در سال ۲۰۱۰، قبل از جنگ داخلی، نزدیک به ۴۰۰ هزار بشکه نفت در روز تولید می‌کرد، اما در زمان سقوط اسد در سال گذشته، این تولید به ۴۰ هزار بشکه در روز کاهش یافته بود. به علاوه، لغو تحریم‌ها به سوری‌های ساکن خارج از کشور کمک می‌کند تا با تسهیل ارسال پول به وطن، در کشور خود سر مایه‌گذاری کنند. هیچ‌یک از این پیشرفت‌ها

تضمین شده نیست. همه تلاش‌های انجام‌شده در مسیر بازسازی برای سر مایه‌گذاران جذاب نخواهد بود و تعطیلی آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده توسط دولت ترامپ، شکاف بزرگی را ایجاد می‌کند که سایر تأمین‌کنندگان مالی باید آن را پر کنند. اما لغو تحریم‌ها به سوریه گزینیهایی فراتر از وابستگی به سایر کشور‌های تحریم‌شده و فعالیت‌های غیرقانونی برای بقای می‌دهد.

رقبای منطقه‌ای

تحریم‌ها تنها مانعی نیستند که ثبات سوریه را به تهدید می‌کشاند. از زمان سرنگونی دولت اسد، رقابت برای کسب امتیاز اقتصادی و سیاسی در این کشور ضعیف‌شده، پدیدار شده است. یکی از بازیگران اصلی اسرائیل است. ارتش اسرائیل صدها حمله به سوریه به انجام داده و بخش‌هایی از جنوب سوریه را اشغال کرده است و دولت اسرائیل با این ادعا که این تهاجم تلاشی برای محافظت از اقلیت دروزی است، به اختلافات فرقه‌ای دامنی زده است. اسرائیل همچنین با ایالات متحده لایه کدی است تا تحریم‌ها علیه سوریه را حفظ کند و به روسیه اجازه دهد پایگاه‌های نظامی خود را در این کشور حفظ نماید. امارات متحده عربی میانه‌چی مداخلات مخفی بین اسرائیل و سوریه بوده است و الشرع بارها گفته است که خواهان جنگ با اسرائیل نیست. دولت سوریه حتی وسایل جاسوس اسرائیلی الی کوهن را که در سال ۱۹۶۵ پس از کشف جاسوسی اش در دمشق اعدام‌شد، به عنوان نشانه‌ای از حسن نیت، بازگردانده است. اما اشغال خاک سوریه توسط اسرائیل همچنان ادامه دارد. البته به نظر می‌رسد که نزدیکی دولت ترامپ به الشرع، موضوع اسرائیل را اثرزتر کرده است، زیرا حملات هوایی اسرائیل به این کشور در روزهای پس از آن فروکش کرده است. اکنون، رئیس‌جمهور ایالات متحده باید از اهرم خود برای مهار عملیات مخرب اسرائیل بیشتر استفاده کند.

سایر بازیگران منطقه‌ای نیز وارد این نزاع شده‌اند. به دنبال امضای قراردادهای سر مایه‌گذاری با دولت جدید سوریه، هندتند که ممکن است در خدمت منافع بلندمدت این کشور بوده یا نباشند. به عنوان مثال، در ماه دسامبر، ترکیه طرحی را برای مذاکره در مورد توافق منطقه اقتصادی انحصاری با سوریه اعلام کرد که مرزهای دریایی را تعریف می‌کند تا به هر کشور حقوق انحصاری برای اکتشاف و بهره‌برداری از منابع، از جمله نفت و گاز، در منطقه خود بدهد. چنین توافقی ممکن است برای سوریه سود اقتصادی داشته باشد، اما به اختلافاتی بر سر مرزهای دریایی موجود در شرق مدیترانه نیز دامن می‌زند و سوریه را در معرض درگیری با همسایگان خود قرار می‌دهد.

راهحلی وجود دارد که ترکیه می‌تواند نقش سازندتری ایفا کند. دولت سوریه، فارغ از تحریم‌ها، می‌تواند با آنکارا در مورد ایجاد زیرساخت‌ها ترانزیت انرژی

که شام، خلیج فارس و احتمالاً اروپا را به هم متصل می‌کند، همکاری کند. کمک ترکیه به ارتش سوریه می‌تواند مانع حملات ارتش‌های خارجی به اصطلاح داعش شود، البته تا زمانی که این حمایت استقلال سوریه را به خطر نیندازد یا نگرانی‌های امنیتی سایر بازیگران، به ویژه اسرائیل را تشدید نکند.

درگیری اسرائیل و ترکیه در سوریه یک احتمال نگران‌کننده است. در ماه مارس، یک رسانه خبری اسرائیلی گزارش داد دولت اسرائیل در حال آماده‌شدن برای احتمال چنین تهاجمی است. اخیراً اسرائیل و ترکیه مذاکراتی را برای کاهش تنش‌ها و ایجاد یک خط تلفن مستقیم برای این منظور در سوریه انجام داده‌اند. با این حال، همزمان با بازسازی دولت سوریه و نیروهای امنیتی آن، اسرائیل و ترکیه می‌توانند برای نفوذ بر این روند به روش‌هایی غیر از رویارویی نظامی مستقیم رقابت کنند. دولت ایالات متحده احتمالاً با تعامل با مقامات موقت سوریه، کشور‌های خلیج فارس و خود ترکیه، اسرائیل را به عقب‌نشینی وادار کرده است. اما ادامه دیپلماسی ایالات متحده می‌تواند به اطمینان از این امر کمک کند که سوریه بار دیگر به زمین بازی رقابت‌های منطقه‌ای تبدیل نشود.

برای اینکه سوریه مسئولیت دفاع از خود، ازجمله انجام عملیات ضد تروریسم خود را بر عهده بگیرد، به منابع اقتصادی و کمک‌های بین‌المللی برای بازسازی و متحد کردن ارتش و سرویس‌های امنیتی خود نیاز دارد. در حال حاضر، وضعیت امنیتی شکننده است. هیئت تحریرالاشام تمام مناطق کشور را کنترل نمی‌کند و در روز کاهش یافته‌هی برخی از جنگجویان درون صفوف خود نیز مشکل دارد. این گروه حتی تسلط کمتری بر نیروهای دیگر، مانند ده‌ها هزار جنگجوی ارتش آزاد سوریه دارد؛ گروهی که بیشتر

مهندسی ذهن‌ها با روایت‌سازی مذاکرات به سبک آمریکایی‌ها

پژواک جنگ نرم در روایت آمریکایی‌ها از مذاکرات

ادامه از صفحه ۱

این تلاش در نهادهای با هدف تقویت این گزاره صورت می‌گیرد که آمریکایی‌ها مروج صلح هستند و با ابزار مذاکره در پی تحقق اند و بدین ترتیب، تصمیم‌سازی را برای مسئولان ایرانی مخطره‌آمیز می‌کنند. البته نباید فراموش کرد به برکت بصیرت و مقاومت ملت، این گونه توطئه‌های غربی همواره با شکست مواجه شده یا تأثیر آن‌ها به حداقل رسیده است.

موضوع قاطع طرف ایرانی: برخاسته از استقامت پولادین چند دهه‌ای ملت ایران، مبنی بر اینکه حقوق مسلم، ازجمله غنی‌سازی، اصلاً قابل مذاکره نیست، مسیر مذاکرات را به‌گونه‌ای سوق داده که پیشرفت‌های حاصل شده در این زمینه – که سر مایه‌های مادی و معنوی بی‌شماری را در بر می‌گیرد و تداوم یابد. اما نمی‌توان منکر این مسئله شد که این بازی با ابزار تهدید و قطعیم، عملاً نوعی تهییج فضای روانی است که با روایت‌سازی چنگدانه، منجر به دوقطبی‌سازی در فضای سیاسی کشور، فرسایش اعتماد عمومی و نهایتاً فراهم‌سازی زمینه برای دشمن جهت بهره‌برداری از این آشفتگی و پیشبرد اهداف خصمانه‌اش می‌شود. از منظر تاکتیکی، آمریکا از رسانه به‌عنوان بازوی مکمل تحریم و دیپلماسی فشار استفاده می‌کند و در چنین نبردی، پیروزی را به اضمحلال توافق، بلکه با تحمیل روایت خود بر افکار عمومی حاصل می‌شود و این دقیقاً عرصه خطیر «جهاد تبیین» است که ما باید با بصیرت، هوشمندی و اراده روایت دقیق و دست‌اول و با ابتکار عمل انقلابی، حریف را در این جنگ روایت‌ها منکوب و محکوم به افعال کنیم.

مواضع رسانه‌ای؛ اظهار نظر ساده یا عملیات روانی هدفمند؟

رفتار رسانه‌ای ایالات متحده – چه در قالب بیانیه رسمی کاخ سفید، چه در مصاحبه‌ها، سنجیده مقامات و چه در هماهنگی با شبکه‌های فارسی‌زبان خارج نشین – واجد مؤلفه‌هایی است که آن را به بخشی جدایی‌ناپذیر از جنگ نرم بدل کرده است. تاریخ معاصر نشان می‌دهد دستگاه دیپلماسی آمریکا، رسانه را به‌عنوان ابزار جنگی غیرنظامی درک می‌کند؛ ابزاری برای تأثیرگذاری بر افکار مردمی، ایجاد تردید در مشروعیت نظام‌های مستقل و آماده‌سازی بستر برای فشارهای اقتصادی یا حتی نظامی. این روزه‌ها سخنان دونالد ترامپ در خصوص توافق هسته‌ای با ایران، بیش از هر زمان دیگری شنیده می‌شود؛ گویی خود او نبود که در اقدامی غیرعرفی، به‌صورت یک جانبه از توافق برجام خارج شد و اکنون پیشنهاد دستیابی به توافق با جمهوری اسلامی ایران شده است. اما تحلیل سخنان فریبکارانه او نشان می‌دهد که از منظر نظام سلطه‌گر آمریکا، هرگونه توافقی باید زیر سایه تهدید دائمی و باج‌خواهی از ملت ایران شکل بگیرد. این ذات سیاست‌های خصمانه و عهدشکن ایالات متحده است. در چنین شرایطی، مایشن جنگ روانی دشمن به کار می‌افتد تا این تهدیدها و زورگری‌ها را پشت نقاب مذاکره و زمین بازی درگیر و چینی القاد کند که ایران فرصت‌ها را از دست داده و باید تسلیم فشار شود.

فرهیختگان

از آنکارا دستور می‌گیرند تا از دمشق، شبه‌نظامیان متشکل از عناصر سابق رژیم اسد در سواحل سوریه تجدید قوا کرده‌اند و داعش در شرق کشور در حال ظهور مجدد است. برخی از گروه‌های مسلح کرد و دروزی از چشم‌انداز خودمختاری در سوریه پس از اسد ناامید نشده‌اند. مدیریت این محیط امنیتی شکننده بدون حمایت خارجی، ازجمله آموزش در مورد کاهش آسیب به غیرنظامیان، دشوار خواهد بود. چالش پیش رو درواقع ایجاد نیروهای امنیتی و پلیس منضبطی است که از مردم سوریه محافظت کنند، نه اینکه از آن‌ها اخاذی نمایند. سوری‌ها از ایست‌های بازرسی در زمان دولت اسد که برای نظارت بر شهروندان و درخواست رشوه ایجاد‌شده بودند، خوشحال هستند اما در صورت متزلزل شدن بهبود اقتصادی کشور، از بازگشت فساد و خشونت نیز می‌ترسند.

حکمرانی خوب

این ترس‌هایی اساس نیستند. سوریه با داستان‌های هشداردهنده‌ای مبنی بر سوءمدیریت پس از جنگ احاطه شده است. فساد در عراق در طول فرآیند بازسازی که پس از حمله ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ رخ داد و در لبنان پس از پایان جنگ داخلی ۱۹۷۵–۱۹۹۰ ریشه دواند. تعداد انگشت‌شمار از سیاستمداران و کسب‌وکارها در این دو کشور به قیمت از دست رفتن خدمات اساسی و توسعه اقتصادی برای جمعیت‌های گسترده‌تر ثروتمند شدند. شکست دولت‌های انتقالی در توسعه اقتصادهای یکپارچه منجر به افزایش درگیری‌های فرقه‌ای شد و خلأهایی را برای پر کردن توسط بازیگران غیردولتی ایجاد کرد. عراق هنوز در تلاش است تا اقتصاد وابسته به نفت خود را متعادل کند و توسعه پایدار را در بخش‌های کشاورزی و انرژی خود ترویج دهد؛ وضعیتی که بخش عمده‌ای از آن به دلیل فساد بومی و دخالت گروه‌های غیردولتی در اقتصاد عراق است. به همین ترتیب، بخش‌های تولیدی اقتصاد لبنان با افزایش وابستگی به واردات رازان در دوران پس از جنگ، متزلزل‌شدند. جنگ‌سالاران که به سیاستمداران تبدیل شدند، پروژهای زیرساختی را دنبال کردند که به جای تقویت رشد گسترده، به نفع شخصی آن‌ها بود. تجربه گذشته در بازسازی پس از جنگ در سراسر جهان نشان می‌دهد که شفافیت و شمول در تصمیم‌گیری‌های دولتی بهترین بازخرم فساد، رکود اقتصادی و سایر بیماری‌های رایج در کشور‌های در حال بازسازی است. با این حال، تاکنون خواسته‌های واشنگتن از دولت جدید سوریه به مسائل امنیتی مانند اخراج شبه‌نظامیان خارجی محدود شده و اصلاحات سیاسی و نهادی مورد نیاز برای تضمین گذار مسالمت‌آمیز در آن ناهائیده گرفته شده است.

این وضعیت اشتباه است. آژان‌ها می‌کند که سوری‌ها برای آن‌ها جنگ‌بند و جان باختند،

نباید نادیده گرفته شود. بشردن هیچ فشاری از سوی ایالات متحده – یا از سوی

دولت‌های منطقه که از یک جنبش دموکراتیک موفق در سوریه که می‌تواند الهام‌بخش

ناآرامی در کشور‌هایشان باشد، می‌ترسند – قدرت خود را تثبیت کرده است. اما اگر دولت

سوریه اراده سوری‌هایی را که علیه اقتدارگرایی دولت قبل قیام کردند نادیده بگیرد، خطر

شعله‌ور شدن دوباره درگیری و احیای نیروهای شوروی مانند داعش را به جان می‌خرد.

آنچه در سوریه اتفاق می‌افتد می‌تواند بر ثبات فراتر از مرزهای این کشور نیز تأثیر بگذارد.

از سال ۲۰۱۱، جنگ داخلی سوریه میلیون‌ها نفر را آواره کرد و موجی از پناهندگان را

در مرزهای اروپا ایجاد کرد. یکی از نتایج این اتفاق، ظهور احزاب راست افراطی در

سراسر اروپا بود که از واکنش شدید مردمی علیه مهاجران جلب حمایت انتخاباتی

بهره‌بردند. وضعیت منزوی سوریه تحت دولت اسد همچنین برداشش گام‌های معنادار

به سوی همکاری منطقه‌ای، از مذاکره برای معاملات تجاری گرفته تا ساخت خطوط

لوله‌گاز جدید را غیر ممکن ساخت.

به جای تکرار تاریخ، گذار سوریه پس از اسد می‌تواند کاتالیزوری برای رشد و ثبات

باشد. وقتی ترامپ اعلام کرد به تحریم‌های ایالات متحده پایان می‌دهد، اظهار

داشت این اقدام به سوری‌ها «فرصتی برای عظمت» می‌دهد. برای زنده نگه داشتن

این فرصت، دولت او باید با شتاب فعلی عمل کرده و اطمینان دهد که دولت ایالات

متحده به وعده‌های خود عمل خواهد کرد و بازیگران دیگر در سوریه و سراسر منطقه

این روند را تحریب نمی‌کند. لغو تحریم‌ها اولین گام اساسی به سوی یک گذار پایدار

و پربار پس از اسد در سوریه بود. اما مطمئن نباید آخرین گام باشد.

۱۵